

# انقلاب فرهنگی را باید از خودمان شروع کنیم

19 آذر 1403

دکتر مسعود پزشکیان صبح امروز دوشنبه در آیین بزرگداشت چهلمین سالگرد تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی «حکمرانی فرهنگ و علم» با بیان اینکه رسالت اصلی پیامبران اجرای حق و عدالت و رفع اختلافات و ایجاد انسجام در جامعه بوده است، اظهار داشت: زمانی می‌شود حق را گفت و عدالت را اجرا کرد که وابستگی‌های قومی و گروهی را زمین بگذاریم و آنجا که بر اساس تابعیت از نفس حق را ضایع کنیم، گرفتار ذلالت خواهیم شد.

رئیس جمهور با اشاره به آیات و احادیث متعدد درباره اهمیت رعایت حق و عدالت و عبور از هوای نفس افزود: عمل به حق و عدالت زمانی مقدور و ممکن است که انسان‌ها این باور و اعتقاد را در وجود خودشان ایجاد کرده باشند. اگر ما حق و عدالت را رعایت نکنیم، وحدت و انسجام نیز جای خود را به نفسانیت و حاکمیت نفس شیطانی می‌دهد. حق و عدالت جنسیت، قومیت، چپ و راست و مذهبی و غیرمذهبی نمی‌شناسد و حق هر انسانی باید فارغ از این ملاک‌ها و صرفاً بر اساس انسانیت او ادا شود.

دکتر پزشکیان با تأکید بر اینکه انقلاب فرهنگی واقعی باید از درون خود ما شروع شود، تصریح کرد: در آیات و روایات متعددی تأکید شده که معلم باید خود متعلم باشد؛ اگر می‌خواهیم جلوداری کنیم، ابتدا باید خودمان را اصلاح کرده باشیم؛ هدایت دیگران باید بر مبنای عمل و کردار باشد، نه زبانی، چرا که رفتار در هر زبان و گویشی قابل درک و فهم است. باید به آنچه می‌خواهیم دیگران را به آن دعوت کنیم، عامل باشیم، نه اینکه در بیان چیزهایی بگوییم، اما در عمل جور دیگری عمل کنیم.

رئیس جمهور با بیان اینکه اصلاح را باید ابتدا از خودمان آغاز کنیم، گفت: امروز مشکل اصلی در جامعه ما این است که رفتار خودمان را اصلاح نکرده‌ایم، اگر نه امکان ندارد که ما در جامعه بر اساس حق و عدالت عمل کنیم و بعد در جامعه نارضایتی عمومی و اجتماعی هم ایجاد شود. شاید عده‌ای زیاده‌خواه باشند که با اجرای حق و عدالت ناراضی شوند، اما اگر حق همه را فارغ از دسته و گروه و باور و دین دادیم و با همه منصفانه برخورد کردیم، آن وقت می‌توانیم الهام‌بخش باشیم.

دکتر پزشکیان تأکید کرد: با دستور و امر و نهی نمی‌توان جامعه را هدایت کرد و این رویه فقط باعث می‌شود مردم در مقابل ما بایستند. اینکه بگوییم اگر حرفی که ما می‌زنیم گوش نکردید، با جریمه و زندان مواجه می‌شوید، این سه تالی فساد دارد؛ اول اینکه قلب را سیاه می‌کند، دوم اینکه دین را تضعیف، سست و بی‌پایه می‌کند و سوم هم اینکه انقلاب و تغییر و دگرگونی‌ها را نزدیک می‌کند. وقتی می‌توان جامعه را هدایت کرد که ابتدا با رفتارمان مردم را جذب کنیم و سپس آنها با الگوگیری از رفتار ما هدایت شوند